

جامعه‌شناسی

تعاریف، مفاهیم و قلمرو

صفی‌الله شاه‌قلعه

کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدرس دانشگاه پیام نور

اشاره

مقاله حاضر به بررسی نسبت جامعه‌شناسی با جامعه‌شناسی آموزش و پرورش می‌پردازد در بخش تعاریف به منابعی پرداخته است که ریشه در خاستگاه این دانش بشری دارد و هنوز جای تأمل و بررسی در این حوزه باقی است. انتظار دارد ضمن نقد و بررسی عالمانه، دیدگاه‌ها و انگاره‌های جامعه‌شناختی متناسب با زیرساخت‌های اندیشه‌ای جامعه اسلامی ما، مدنظر مخاطبان گرامی قرار گیرد تا در اشاعه آرای اجتماعی و جامعه‌شناختی مجله را یاری نمایند.

چکیده

جامعه‌شناسی را می‌توان بررسی علمی زندگی گروهی انسانها تعریف کرد. جامعه‌شناسان در واقع می‌کوشند تا آن‌جا که ممکن است این نکته را به دقت و به گونه‌ای عینی توصیف و تبیین کنند که انسانها چرا و چگونه در گروهها با یکدیگر رابطه دارند. برای عضویت در یک جامعه، تعلیم و تربیت لازم است تا انسان بتواند در آن جامعه زیست کند. همیشه وقتی عضوی جدید به جامعه وارد می‌شود، مجبور است قوانین آن را بداند و شرایط عضویت در آن را بیاموزد که در علم جامعه‌شناسی به این کار «اجتماعی شدن» می‌گویند. یکی از اهداف اصلی این مقاله تعریف و تبیین جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی آموزش و پرورش است. کاربرد جامعه‌شناسی برای تحقق اهداف آموزش و پرورش از جمله موضوعاتی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، جامعه‌شناسی، انتقال فرهنگ، جامعه‌پذیری.

مقدمه

استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزشها، رفتارها، گرایشها، دانشها و مهارتهای آن به نسلهای جدید منتقل شود. وسیله این انتقال، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به معنی اعم، مترادف با جامعه‌پذیری است؛ یعنی فرایندی که افراد از طریق آن به یادگیری نقشها، قواعد، روابط و به‌طور کلی، فرهنگ جامعه خود می‌پردازند. به معنی اخص، افراد به واسطه آن در وضعیتهای اجتماعی سازمان‌یافته، در معرض آموزش منظم دانشها، مهارتها، رفتارها و گرایشهای معین قرار می‌گیرند. در هر جامعه، این وضعیتهای در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمانهای رسمی آن تشکیل می‌شوند.

سؤالها

سؤال اصلی: جامعه‌شناسی چه نسبتی با جامعه‌شناسی آموزش و پرورش دارد؟

سؤالهای فرعی

- جامعه‌شناسی چیست و شاخصه‌های آن کدام‌اند؟
- آیا جامعه‌شناسی آموزش و پرورش جزو زیرشاخه‌های جامعه‌شناسی است؟

روش مقاله

در این مقاله سعی شده است از طریق روش توصیفی-تحلیلی، استفاده از منابع کتابخانه‌ای-اینترنتی، و در صورت لزوم استفاده از داده‌های آماری، به این سؤالات پاسخ داده شود.

ویژه‌نامه ضمن خدمت

رشد علوم اجتماعی دوره ۱۵
شماره ۱ پاییز ۱۳۹۰

۳۰



جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی مطالعه قوانین و فرایندهای اجتماعی است که مردم را نه تنها به عنوان افراد و اشخاص، بلکه به عنوان اعضای انجمنها، گروهها و نهادهای اجتماعی می‌شناساند و مورد بررسی قرار می‌دهد. جامعه‌شناسی مطالعه زندگی اجتماعی گروهها و جوامع انسانی است؛ مطالعه‌ای هیجان‌انگیز و مجذب‌کننده که موضوع اصلی آن رفتار خود ما به عنوان موجودات اجتماعی است. دامنه جامعه‌شناسی بی‌نهایت وسیع است و از تحلیل برخورد‌های گذرا بین افراد در خیابان تا بررسی فرایندهای اجتماعی جهانی را در برمی‌گیرد.

جامعه‌شناسی جوان‌ترین رشته علوم اجتماعی است. واژه جامعه‌شناسی را در سال ۱۸۳۸ **آگوست کنت** فرانسوی در کتاب «فلسفه اثباتی» اش بر مطالعات ویژه‌ای گذاشت. کنت را عموماً بنیان‌گذار جامعه‌شناسی می‌دانند. او معتقد بود که علم جامعه‌شناسی باید بر پایه مشاهده منتظم و طبقه‌بندی استوار شود.

اگرچه بسیاری را عقیده بر این است که آغازگر این رشته علمی و مؤسس مطالعات اجتماعی، **عبدالرحمن بن خلدون** از مورخان و تحلیل‌گران و فیلسوفان برجسته حوزه مطالعات درباره زندگی جمعی انسان است.

هربرت اسپنسر انگلیسی در سال ۱۸۷۶ نظریه تکامل اجتماعی را تحول بخشید که پس از پذیرش و رد اولیه، اکنون به صورت تعدیل شده دوباره پذیرفته شده است. اسپنسر نظریه تکاملی **داروین** را در مورد جوامع بشری به کار بسته بود. او عقیده داشت که جوامع انسانی، از طریق تکاملی تدریجی، از ابتدایی به صنعتی تکامل می‌یابند. او در نوشته‌هایش یادآور شده بود که این جریان یک فرایند تکاملی طبیعی است که انسانها نباید در آن دخالت کنند.

لستر وارد آمریکایی کتاب «جامعه‌شناسی پویا» را در سال ۱۸۸۳ منتشر کرد. او در این کتاب از پیشرفت اجتماعی از طریق کنش اجتماعی با هدایت جامعه‌شناسان، هواداری کرد.

امیل دورکیم در سال ۱۸۹۵ کتاب «قواعد روش جامعه‌شناسی» را منتشر کرد و در آن، روشی را که در بررسی ماندگار از خودکشی در گروههای گوناگون به عمل آورده بود، به روشنی شرح داد. دورکیم یکی از پیش‌گامان تحول جامعه‌شناسی است. او سخت بر این باور بود که جوامع بشری با باورداشتهای و ارزشهای مشترک اعضایشان انسجام می‌یابند.

ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰) معتقد بود که روشهای علوم طبیعی را نمی‌توان درباره مسائل مورد بررسی در علوم اجتماعی به کار بست. او استدلال می‌کرد که چون دانشمندان اجتماعی، جهان اجتماعی محیط زندگی خودشان را بررسی می‌کنند، همیشه قدری برداشت ذهنی در بررسی‌هایشان دخالت دارد. او معتقد بود که جامعه‌شناسان باید فارغ از ارزشهایشان کار کنند و هرگز نباید اجازه دهند که تمایلات شخصی‌شان در پژوهشها و نتیجه‌گیری‌هایشان دخالت کنند.

با توجه به تعاریف ارائه شده درباره جامعه‌شناسی و یا نظریه‌های گروهی از جامعه‌شناسان، می‌توان چنین نتیجه گرفت: «جامعه‌شناسی علمی است که زندگی اجتماعی مردمان جوامع گوناگون را با توجه به نهادهای اجتماعی موجود در آن گونه جوامع و روابط اجتماعی حاکم بر آنها مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دهند. به علاوه، برای آینده‌نگری در آن جوامع به مقایسه، تجزیه و تحلیل دگرگونی و تحول‌پذیری آنها می‌پردازد. از نتایج دیگر علوم اجتماعی، شناسایی چگونگی روابط متقابل افراد با هم و با محیط اجتماعی آنها، برای کشف قوانین عمومی حاکم بر جامعه و زندگی اجتماعی است.

ویژه‌نامه ضمن خدمت

رشد علوم اجتماعی دوره ۱۵
شماره ۱ پاییز ۱۳۹۰

۳۱



طبقه اجتماعی و... اشاره کرد. مدرسه جزئی از نهاد آموزشی است که زیرمجموعه نهاد بزرگ آموزش و پرورش در هر کشوری به شمار می‌آید که فرایند آموزش رسمی را از دوران کودکی برعهده دارد. افراد تحصیل کرده از تأثیر حکومت بر زندگی خود آگاهی بیشتری دارند و توجه بیشتری به حوزه سیاست می‌کنند. اینان در مورد فرایندهای سیاسی اطلاعات بیشتری دارند و در رفتار سیاسی خود عهده‌دار طیف وسیع‌تری از فعالیتهای سیاسی هستند. ارتباط، یا به میانجیگری کردار است یا به میانجیگری گفتار و یا هر دو. ژرف‌ترین ارتباط، ارتباطی است آمیخته از کردار و گفتار. زمینه این گونه ارتباط، همکاری و نتیجه آن هماننداندیشی است. هر گونه ارتباط، مخصوصاً ارتباطی که به صورت آگاهانه یعنی همراه با آگاهی دو طرف یا دست‌کم با آگاهی یکی از دو طرف همراه باشد، آموزش و پرورش نام می‌گیرد [اعتمادی، ۱۳۷۶: ۱۶].

دکتر هوشیار، در مورد ارتباط اصل معرفت با اصل رفتار دو نکته را مطرح می‌کند: نکته اول این که «تعلیم و تربیت به لحاظی عبارت است از تحویل و انتقال سرمایه تمدن از نسلی به نسل دیگر که خود موجب تراکم و ترقی تمدن می‌شود.» نکته دیگر، ملازمه رفتار با شعور و آگاهی است. وی در این باره اعتقاد دارد: «رفتار تنها بر عمل افراد انسان نسبت به هم به طوری که همراه با استعمار (آگاهی) باشد، اطلاق می‌شود» [شریعتمداری، ۱۳۸۰: ۵].

هدف تربیت این است که بعضی حالات جسمانی، عقلانی و اخلاقی را در خردسالان ترقی دهد و آنها را برای زندگی در جامعه سیاسی و در محیط مربوط به خودشان مهیا سازد. در حال حاضر متولیان این امر در هر کشور و از جمله کشور ما، نهاد آموزش و پرورش است.

آموزش و پرورش فعالیتی است که نسل بالغ، درباره نسلی

دانش جامعه‌شناسی همواره در پی شناخت و مطالعه زندگی اجتماعی است. پس موضوع اصلی جامعه‌شناسی مطالعه زندگی اجتماعی، یعنی واکنشهای اجتماعی متقابلی است که افراد انسانی را به یکدیگر پیوند می‌دهد. برخی از این واکنشها بر اثر تکرار تثبیت و دارای سازمان می‌شوند. بیشترین افراد هر جامعه رفتارهای اجتماعی خود را با این گونه سازمانهای اجتماعی هماهنگ می‌سازند. زیرا همه جنبه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، هنری و فرهنگی، هر یک از نوعی سازمان اجتماعی بهره می‌برند.

آموزش و پرورش

آموزش و پرورش اصلی‌ترین نهاد رسمی آموزش و تربیت در هر کشور است که متولی امر آموزش و پرورش کودکان در مراحل رشد آنان محسوب می‌شود. این امر از طریق برنامه‌های مدون، کتب درسی مشخص و اقدامات تربیتی و آموزشی نسبتاً یکسان در تمام سطح کشور صورت می‌گیرد.

آموزش یکی از زیرشاخه‌های اجتماعی شدن است. اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری، فرایندی است که به انسان راههای زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد، شخصیت می‌دهد، و ظرفیتهای او را در جهت انجام وظایف فردی و به‌عنوان عضو جامعه، توسعه می‌بخشد. از اهداف اساسی اجتماعی کردن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فراگرفتن مهارتهای ضروری؛
- برقراری ارتباط با دیگران؛
- فراگرفتن ارزشها و اعتقادات عمومی جامعه [کونن، ۱۳۸۰: ۱۰۶].

از زیرشاخه‌های اجتماعی شدن می‌توان به خانواده، مدرسه، هم‌سالان، رسانه‌های ارتباط جمعی، نهادهای مذهبی،

ویژه‌نامه ضمن خدمت

رشد علوم اجتماعی دوره ۱۵
شماره ۱ پاییز ۱۳۹۰

۳۲



که آموزش و پرورش لازمه نظم و پیشرفت اجتماعی است، اقدامات قابل ملاحظه‌ای از جانب مردم و دولتها در جهت سیاست‌گذاری و تأمین منابع مالی آن به عمل می‌آید. از سویی انتظار می‌رود که آموزش و پرورش سنتهایی مثل احترام به اقتدار، اطاعت از قانون، میهن‌پرستی و... را حفظ و تحکیم کند، و از سوی دیگر انتظار می‌رود که موجبات رشد و توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه را فراهم سازد [علاقه‌بند ۱۳۷۶: ۵۹]. حال به‌منظور درک بهتر جامعه‌شناسی لازم است که تعاریف ارائه شده در این خصوص مطرح شوند تا امکان دستیابی به شناخت درست این علم فراهم آید.

آموزش و پرورش از نگاه جامعه‌شناسان

آگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸)، واضع واژه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش را به منزله تهذیب و تزکیه آدمی می‌دانست. اسپنسر (۱۹۰۳-۱۸۲۰) نیز غایت آموزش و پرورش را تدارک و تأمین زندگی بهتر برای فرد در جامعه می‌دانست. به‌زعم وی، کارکردهای نظام آموزشی باید بسیار اندک و محدود باشند، به‌طوری که نباید در پرورش فرد زیاد مداخله کند. وی معتقد بود طبیعت، حس درک خوب و بد را در انسان به ودیعه گذاشته است. هر کودک با توجه به پیامدهای رفتار و کردار خود به یادگیری می‌پردازد و از راه طبیعی آموزش و یادگیری، به تفاوت‌های میان خوب و بد پی خواهد برد.

از نظر امیل دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸) نیز آموزش و پرورش یک امر واقع اجتماعی است و یک عنصر اصلی جامعه‌شناسی محسوب می‌شود. در تعریف وی آمده است: آموزش و پرورش فعالیتی است که نسل بالغ، درباره سنی که هنوز برای حیات اجتماعی نارس است، به‌جا می‌آورد. موضوع این فعالیت عبارت است از برانگیختن و پروردن افکار و معانی در کودک و ایجاد

که هنوز برای حیات اجتماعی نارس است، به‌جا می‌آورد. موضوع این فعالیت عبارت است از برانگیختن و پروردن افکار و معانی در کودک و ایجاد شرایط معنوی و مادی که مقتضای حیات در جامعه سیاسی و محیط خصوصی است و کودک برای زندگی در آن آماده می‌شود. بنابراین، نقش آموزش و پرورش در جامعه آن است که کودکان را که هنوز اجتماعی نشده‌اند، متناسب با نظام اجتماعی بار آورد و برای سازگاری با محیط خاص اجتماعی‌شان آنان را به هنجارها، رسوم و عادات مقتضی مجهز سازد.

استمرار و بقای هر جامعه‌ای مستلزم آن است که مجموع باورها، ارزشها، رفتارها، گرایشها، دانشها و مهارتهای آن به نسلهای جدید منتقل شود. وسیله این انتقال آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به معنی اعم، مترادف با جامعه‌پذیری است؛ یعنی جریانی که افراد از طریق آن به یادگیری نقشها، قواعد، روابط و به‌طور کلی فرهنگ جامعه خود می‌پردازند. درحالی‌که آموزش و پرورش به معنی اخص، جریانی است که افراد به‌واسطه آن در وضعیتهای اجتماعی سازمان‌یافته، در معرض آموزش منظم دانشها، مهارتها، رفتارها و گرایشهای معین قرار می‌گیرند. در هر جامعه این وضعیتها در قالب نظام آموزش و پرورش و سازمانهای رسمی آن تشکیل می‌شوند [علاقه‌بند، ۱۳۷۶: ۱۷].

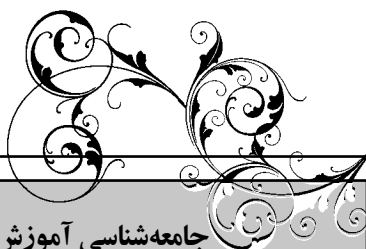
بنابراین آموزش و پرورش رسمی عبارت است از روندی که طی آن، اعضای جامعه در نظام رسمی سازمان‌یافته، هم‌چون کودکان، دبستان، دبیرستان، آموزشگاهها و دانشگاهها، به اخذ دانش، مهارت، فن، تخصص، الگوهای رفتاری و ارزشهای جامعه نائل می‌آیند [گلشن فومنی، ۱۳۷۵: ۵۸].

از آن‌جا که امروزه نهاد آموزش و پرورش از جمله ابزارهای مهم دستیابی به اهداف اجتماعی است، بر مبنای این فرض

ویژه‌نامه ضمن خدمت

رشد علوم اجتماعی دوره ۱۵
شماره ۱ پاییز ۱۳۹۰

۳۳



**جامعه‌شناسی آموزش و پرورش نه تنها
ویژگیهای نهادهای رسمی آموزش و پرورش را
در برمی گیرد، بلکه تمامی جریانهای آموزش در
خانواده، محیط کار، سازمانهای رسمی آموزشی و
در کل جامعه را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد**

شرایط معنوی و مادی که مقتضیات حیات در جامعه سیاسی و محیط خصوصی است و کودک برای زندگی در آن آماده می‌شود.

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش
از آن جا که امروزه تحت تأثیر آموزشهای مستقیم در خانواده و در مدرسه و سایر سازمانهای رسمی آموزشی از یک طرف، و در میدان آموزشهای غیرمستقیم در سطح جامعه از طرف دیگر (تحت تأثیر دوستان و آشنایان در محیط کار، بازی و سایر عوامل اجتماعی نظیر کتاب، مجله، رادیو و...)، انسان به طور مستمر در حال آموزش است، از این رو فرد به طور دائم تحت تأثیر عوامل اجتماعی محیط پیرامون خود قرار دارد. لذا شناخت ویژگیهای جوامع و تأثیرات تعیین کننده جامعه در آموزش و پرورش از اهمیت خاصی برخوردار است [گلابی، ۱۳۸۰: ۲۳].

همان طور که قبلاً نیز بیان شد، هدف آموزش و پرورش به طور عام اجتماعی کردن افراد جامعه است تا از این طریق (یادگیری نقشها، قواعد، روابط و...) برقراری روابط اجتماعی به بهترین نحو صورت پذیرد. بدین ترتیب، هدف آموزش و پرورش در راستای اهداف جامعه قرار دارد. یعنی این جامعه است که اهداف و وظایف آموزش و پرورش را تعیین می‌کند. در نتیجه، بین جامعه‌شناسی و آموزش و پرورش رابطه نزدیکی وجود دارد [سیفالهی، ۱۳۶۹: ۱۵۶].

به طور کلی، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به مطالعه روابط میان آموزش و پرورش و جامعه، از طریق کاربرد منظم دانش، مفاهیم، نظریه‌ها، روشها و فنون جامعه‌شناسی، اطلاق می‌شود. در تعریفی دیگر، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش عبارت است از: تحلیل علمی الگوها و فرایندهای اجتماعی دخیل در نظام آموزش و پرورش [بروکاور و اریکسون، ۱۹۷۵]. منظور از نظام آموزش و پرورش الگوی کلی نهادها و سازمانهای رسمی جامعه است که به واسطه آنها، معارف و میراث فرهنگی

مانهایم (۱۸۹۳-۱۹۴۷) نیز مثل دورکیم، بر نقش سازنده آموزش و پرورش به عنوان یک فرایند اجتماعی آگاهانه تأکید کرده است و آن را فی نفسه تکنیک و وسیله‌ای برای کنترل اجتماعی، بازسازی و نوسازی جامعه می‌داند که در صورت استفاده آگاهانه و برنامه‌ریزی شده، می‌تواند به ایجاد انسجام و یگانگی اجتماعی مدد رساند.

گراهام سمنر، جامعه‌شناسی را علم شناخت جامعه به طور کلی و به عنوان یک واحد می‌داند.

سوروکین، جامعه‌شناسی را علم مطالعه عناصر سه‌گانه مادی، انسانی و معنوی می‌خواند. وی واقعیت‌های اجتماعی-فرهنگی را به مثابه نظامی معنی‌دار و کارکردی می‌داند که عنصر فرهنگی آن بر کنش متقابل انسان مقدم است [گلابی، ۱۳۷۴: ۵۷].

دورکیم (۱۸۵۸-۱۹۱۷)، جامعه‌شناسی را علم نهادی اجتماعی و چگونگی تکوین و عمل آنها تعریف می‌کند.

ماکس وبر می‌گوید: «جامعه‌شناسی علمی است که می‌کوشد به درک، تفسیر و تفهیم عمل اجتماعی انسان نائل شود تا بدین ترتیب به تبیین علی سیر عمل اجتماع و نتایج آن موفق آید» [قرانی مقدم، ۱۳۷۳: ۱۴].

جامعه‌شناسی، جامعه و رفتار اجتماعی را از طریق بررسی گروه‌های اجتماعی مانند قبیله، اجتماع یا سازمانهای اجتماعی بررسی می‌کند.

جامعه‌شناسی مطالعه علمی ماهیت زندگی اجتماعی است و کوشش می‌کند زندگی اجتماعی را درک و پیش‌بینی کند و در برخی موارد برای حل مشکلات اجتماعی تدبیری بیندیشد.

در یک جمع‌بندی از تعاریف ارائه شده می‌توان چنین گفت: جامعه‌شناسی علمی است که به طور کلی روابط انسانی یا



دانش جامعه‌شناسی همواره در پی شناخت و مطالعه زندگی اجتماعی است. پس موضوع اصلی جامعه‌شناسی مطالعه زندگی اجتماعی، یعنی واکنشهای اجتماعی متقابلی است که افراد انسانی را به یکدیگر پیوند می‌دهد

شرایط و فرایندهای تاریخی

با مجموعه‌ای از هدفها، کارکردها و کنشها مشخص شده است، اطلاق می‌شود.

تعریف دیگری، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش را تحلیل علمی آن دسته از فرایندها و الگوهای اجتماعی می‌داند که در نظام آموزش و پرورش دخالت دارند [علاقه‌بند، ۱۳۶۹: ۶۰-۵۹].

از سوی دیگر با توجه به تعریف عام آموزش و پرورش (جامعه‌پذیری یا اجتماعی کردن افراد جامعه)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش نه تنها ویژگیهای نهادهای رسمی آموزش و پرورش را دربرمی‌گیرد، بلکه تمامی جریانهای آموزش در خانواده، محیط کار، سازمانهای رسمی آموزشی و در کل جامعه را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد.

به طور کلی می‌توان چنین اذعان داشت که جامعه‌شناسی آموزش و پرورش خواستار دست‌یابی به یک معرفت و شناخت دقیق و جامع درباره فرایند آموزش و پرورش از طریق مطالعه، بررسی و تحلیل همه‌جانبه عوامل مؤثر در آن (یعنی کنش و واکنش معلم و دانش‌آموز، مدرسه و خانواده) است و تأثیرات سایر نظامها و نهادهای اجتماعی را ممکن و منطقی می‌داند [گلابی، ۱۳۸۰: ۲۲-۲۱].

قلمروهای جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

با توجه به گستردگی مفهومی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش می‌توان قلمروهای متمایزی را برای آن تصویر کرد. این قلمروها عبارت‌اند از:

۱. رابطه نظام آموزشی با نهادهای جامعه

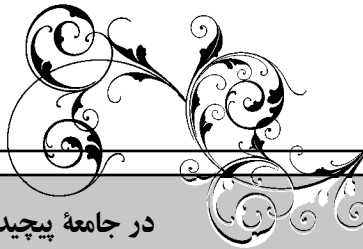
در این بخش ابعاد زیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد:
* رابطه نظام آموزشی با فرایند تغییرات اجتماعی و فرهنگی یا حفظ وضع موجود؛

منتقل و پرورش رشد

اجتماعی و شخصی افراد جامعه میسر می‌شود» [علاقه‌بند، علی؛ ۱۳۸۲: ۱۹].

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، رشته علمی نسبتاً جدیدی است که عمده‌ترین تحقیقات و تألیفات مربوط به آن در نیم قرن گذشته پدید آمده‌اند. اما ریشه‌های آن را در آثار جامعه‌شناسان قرن نوزدهم نیز می‌توان یافت. «جامعه‌شناسان، آموزش و پرورش را به‌عنوان یک پدیده اجتماعی یا یک نهاد اجتماعی مشخص و نظیر سایر پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی قابل تحلیل و تبیین تلقی می‌کنند و معتقدند که آموزش و پرورش اساساً موضوعی اجتماعی است. به نظر آنان، آموزش و پرورش همیشه یک فعالیت اجتماعی بوده است و صرفاً به آموزش و پرورش رسمی که هدفها و روشهای آن به ماهیت و فرهنگ جامعه بستگی دارد، منحصر نبوده است. حتی بین اقوام ابتدایی که رسماً مدرسه نداشتند، آموزش و پرورش به نحوی متفاوت وجود داشت. آنها نیز سعی داشتند همواره شخصیت کودکان را طوری پرورش دهند که برای مشارکت در جامعه و ایفای نقشهای مورد نیاز آماده باشند» [قرایی مقدم، ۱۳۷۳: ۲۲].

در جامعه ساده گذشته، اشکال ابتدایی نظامهای سیاسی و اقتصادی وجود داشت و کارکردهای آموزش و پرورش از طریق خانواده با مشارکت فرد در فعالیتهای گوناگون گروه اجتماعی صورت می‌گرفت؛ از این رو، نهاد جداگانه‌ای لازم نبود. ولی در جامعه پیچیده متمدن امروز، با گسترش شهرنشینی و توسعه صنعتی و دگرگون‌شدن ساختارها و کارکردهای سیاسی و اقتصادی، نهادی مثل خانواده که در گذشته بار تربیتی فرزندان را به‌عهده داشت، دیگر اقتدار و نفوذ کافی برای ایفای وظایف آموزشی و پرورشی را ندارد. جامعه متحول، مستلزم ایجاد نهاد خاص نظام آموزش رسمی است. مفهوم نهاد، به هر نوع اعتقاد، ارزش، مفهوم، سازمان و یا به‌طور کلی، هر پدیده‌ای که طی



**در جامعه پیچیده متمدن امروز،
با گسترش شهرنشینی و توسعه صنعتی و دگرگون شدن
ساختارها و کارکردهای سیاسی و اقتصادی، نهادی
مثل خانواده که در گذشته بار تربیتی فرزندان را
به عهده داشت، دیگر اقتدار و نفوذ کافی برای ایفای
وظایف آموزشی و پرورشی را ندارد**

جامعه‌شناسان تحقیقات و نظریه‌سازیهایی گوناگونی در

زمینه تأثیر مدرسه بر شخصیت و رفتار دانش‌آموزان داشته‌اند. این افراد با تأکید بر اهمیت نقش اجتماعی که کودک در ارتباط با معلم و دیگر دانش‌آموزان در محیط مدرسه ایفا می‌کند، به جامعه‌شناسی آموزش و پرورش پرداخته‌اند. نقش، رفتار و شخصیت معلم نیز دیگر زمینه مطالعات و تحقیقات جامعه‌شناسان آموزش و پرورش در این حوزه است. موضوع برخی از مطالعات این افراد عبارت‌اند از:

- * نقش اجتماعی معلم؛
- * ماهیت شخصیت معلم؛
- * تأثیر شخصیت معلم بر رفتار دانش‌آموز؛
- * نقش مدرسه در رشد، سازگاری یا ناسازگاری کودک؛
- * ویژگی رفتارهای ناشی از وجود محیط خودکامه یا آزاد در مدرسه.

دکتر **سها**، در «دایره‌المعارف بین‌المللی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش» دو نقش عمده برای این دانش‌قائل شده است: **۱. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به‌عنوان کنترل اجتماعی:** منظور از کنترل اجتماعی هم‌نوایی افراد با ارزشها و هنجارهای حاکم بر جامعه است. کنترل اجتماعی موضوع مهمی برای جامعه‌شناسان است. دورکیم معتقد بود: آموزش و پرورش اساساً سازوکاری است که جامعه از طریق آن «بزرگسال آرمانی» خود را تولید می‌کند. دورکیم اعتقاد دارد آموزش و پرورش ابزاری است برای نیل به انسجام اخلاقی، و سازوکاری است که از طریق آن هنجارها و ارزشهای جامعه از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود. وبر در میان جامعه‌شناسان کلاسیک به آموزش و پرورش از منظر کنترل اجتماعی می‌نگریست. برای او آموزش و پرورش اعتبارنامه‌ای است که به واسطه آن، زندگی مناسبی فراهم می‌آید. در این حیطه موضوعاتی هم چون جامعه‌پذیری در مدرسه، مطالعه، کلاس درس و جوانب اجتماعی برنامه‌درسی بررسی می‌شود.

۲. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به‌عنوان فرصت مطالعه: در این حیطه سؤال این است که آموزش و پرورش تا چه حد به‌عنوان عامل به وجودآورنده فرصت در جامعه عمل می‌کند و تا چه حد نابرابریهای موجود در جامعه را بازتولید

* کارکرد نظام آموزش رسمی در فرایند اصلاح اجتماعی؛

- * کارکرد نظام آموزشی در فرایند کنترل اجتماعی؛
- * رابطه آموزش و پرورش با طبقه اجتماعی؛
- * رابطه نظام آموزشی با افکار عمومی.

۲. فرهنگ مدرسه و روابط انسانی

تحلیل ساختار اجتماعی درون مدرسه امروزه مورد توجه جامعه‌شناسان آموزش و پرورش است. الگوهای فرهنگی درون نظام مدرسه، تفاوت فاحشی با دیگر نهادهای جامعه دارند (فرهنگ مدرسه). در این خصوص تحقیقات زیادی انجام پذیرفته‌اند که نتایج آن را می‌توان در ابعاد زیر خلاصه کرد:

- * ماهیت فرهنگ مدرسه و تفاوت آن با فرهنگ خارج از مدرسه؛

- * ماهیت الگوهای قشربندی درون مدرسه؛
- * رابطه بین معلم و دانش‌آموز؛
- * تحلیل شبکه‌گروههای دوستی و ساختار آن در درون مدرسه؛
- * الگوهای رهبری و ساختار قدرت در گروههای مدرسه‌ای.

۳. رابطه بین مدرسه و جامعه

این قلمرو ابعاد زیر را مورد بحث قرار می‌دهد:

- * تحلیل الگوهای ارتباط بین مدرسه و دیگر گروههای اجتماعی موجود در رابطه با تأثیر آن بر سازمان مدرسه؛
- * تأثیر ساختار قدرت جامعه و تأثیر آن بر مدرسه؛
- * تحلیل رابطه بین نظام مدرسه و دیگر نظامهای اجتماعی موجود در جامعه.

۴. تأثیر مدرسه بر شخصیت و رفتار افراد

این قلمرو به روان‌شناسی اجتماعی نظام آموزشی توجه دارد. هدف اصلی، تحلیل ماهیت الگوهای رفتاری در ارتباط با شخصیت است که ناشی از مشارکت معلمان، دانش‌آموزان و دیگر افراد در کل نظام آموزشی است. روان‌شناسان و

می‌کند. یعنی این سؤال مطرح است که آموزش و پرورش به‌وجودآورنده فرصتهاست یا عامل بازتولید اجتماعی است [شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۱۹-۱۲].

مباحث مطرح در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

- * تحلیل علمی آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی و مناسبات متقابل نهادها؛
- * مطالعه رابطه کارکردی بین نظام آموزشی و سایر نهادهای عمده جامعه از قبیل اقتصاد، سیاست، مذهب و خانواده؛
- * مطالعه نقش افراد و تقسیم نقش در نظام آموزش و پرورش؛
- * کارکرد آموزش و پرورش در جامعه؛
- * مطالعه قدرت سازمانی و وسایل انضباطی در نظام آموزش و پرورش؛
- * محتوا و روشهای آموزشی و تأثیر آنها بر دانش‌آموزان؛
- * تأثیر نظام آموزشی در انتقال فرهنگ و روند اجتماعی شدن نسل جدید؛
- * مطالعه ارزشهای نظام و ارزشهای حاکم آموزشی.

هدف جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

جامعه‌شناسان تأکید می‌کنند که آموزش و پرورش یکی از راههای اجتماعی شدن کودک است و مدرسه در کنار سایر عوامل، از قبیل خانواده، اجتماع و گروههای هم‌بازی، به این روند کمک می‌کند. از این دیدگاه، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش عبارت است از انتقال فرهنگ و عناصر ویژه آن به نسل جدید. از این‌رو هدف آن مطالعه پدیده آموزش و پرورش، و نحوه تشکیل، سازمان‌پذیری و کارکردهای عمومی آن در زندگی افراد است. مطالعات جامعه‌شناسی آموزش و پرورش در سه زمینه مهم تمرکز یافته‌اند:

- * نظامهای بزرگ آموزش و پرورش؛
- * نهادهای آموزشی خاص؛
- * تعامل در محیطهای آموزشی [علاقه‌بند، ۱۳۸۲: ۲۰].

نتیجه‌گیری

جامعه‌شناسی آموزش و پرورش به مطالعه عوامل اجتماعی

مؤثر در پیشرفت و عقب‌ماندگی آموزشی می‌پردازد. چون آموزش و پرورش درصدد ایجاد دگرگونیهای مطلوب با توجه به تحولات همان جامعه است، هدف اصلی‌اش باید برآوردن نیازها و احتیاجهای اجتماعی آن جامعه باشد.

در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش تأثیر آموزش در خصوصیت‌های اخلاقی، اجتماعی و رفتاری انسان بررسی می‌شود.

هم‌چنین، به رابطه محیط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی با آموزش توجه دارد.

اگر مسائل آموزش و پرورش یک جامعه از جنبه‌های اجتماعی مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد و با جنبه‌های اجتماعی جوامع دیگر مقایسه شود تا تعیین گردد که در چه درجه‌ای از پیشرفت قرار دارد، به این‌گونه بررسی مطالعه تطبیقی در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش می‌گویند. یا اگر بخواهیم بدانیم که از چه راه و به چه طریق باید اجتماع موجود را اصلاح کرد تا به پیشرفت و رفاه اجتماعی رسید و در نهایت عدالت اجتماعی را تأمین کرد، لازم است جامعه‌شناسی به نهاد آموزش و پرورش از جنبه‌های مختلف توجه کند. بدیهی است که مطالعه در این‌گونه موارد برعهده جامعه‌شناسی آموزش و پرورش است.

منابع

۱. اعتمادی، میرزا آقا و دیگران (۱۳۷۶). اصول و فنون آموزش و پرورش. انتشارات آوای نو. تهران.
۲. شارع‌پور، دکتر محمود (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. انتشارات سمت. تهران.
۳. شریعتمداری، دکتر علی (۱۳۸۰). اصول تعلیم و تربیت. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهاردهم.
۴. علاقه‌بند، علی. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. نشر روان. تهران. چاپ سی و دوم. ۱۳۸۲.
۵. فرجاد، محمدحسین. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. دانشگاه تربیت معلم. تهران. چاپ اول. ۱۳۵۵.
۶. قرایی‌مقدم، دکتر امان‌الله. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. کتابخانه فروردین. تهران. چاپ اول. مرداد ۱۳۷۳.
۷. کوئن، بروس (۱۳۸۰). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه دکتر غلامعباس توسلی و دکتر رضا فاضل. انتشارات سمت. تهران.
۸. گلشن فومنی، دکتر محمدرسول. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. انتشارات شیفته. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۲.